

## درآمدی بر مفهوم و مولفه‌های مکتب انتظامی - امنیتی

علی ثابت<sup>۱</sup>

جعفر رجب‌لو<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۶

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال اول / شماره یکم - بهار ۱۳۹۵ \* ۸۴-۶۵

### چکیده

مکتب انتظامی - امنیتی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد؛ مکتب امنیتی - انتظامی « ترکیب سازوار مجموعه‌ی الگوهای عمل نسبتاً پایدار تکرار شونده، در نظر و بیان، نگرش، گرایش و رفتار اندیشه‌گران، سیاست‌گذاران، قاعده‌گذاران و کنش‌گران امنیتی و انتظامی است که در قالب مفاهیم و مقولات به هم پیوسته ناظر بر نظم و امنیت در متون، حقوقی، آکادمیک، دستورالعمل‌ها، فرامین، گفتارهای شفاهی و یا در سبک‌های رفتاری این حوزه‌ها مشاهده می‌شود. که در توصیف، تبیین، تشریح، سیاست‌گذاری، مدیریت و نظارت و بازبینی موضوعات و مسائل امنیتی و انتظامی به کار بسته می‌شود. از این حیث می‌توان از مکتب انتظامی امنیتی یک کشور سخن گفت. آنچه در این پژوهش از مکتب امنیتی و انتظامی در نظر است، مکتب انتظامی امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. مفروض بحث این است که نظام جمهوری اسلامی از آغاز تاسیس و با گذشت چهاردهه و عبور از بحران‌های مختلف از جمله جنگ و منازعات داخلی، تجزیه‌طلبی، جنگ خارجی، تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، منازعات منطقه‌ای و آشوب‌ها و ناآرامی‌های داخلی و جرائم نوظهور سایبری و فجایع طبیعی و غیر طبیعی و جرائم و ناامنی‌های متعارف در بعد نظری و الگوهای عمل و نظام آموزش در مقوله دفاع، امنیت و انتظام اجتماعی مختصات مکتب دفاعی و امنیتی و انتظامی خاص خود را دارد. که با پژوهش و بررسی در منابع مربوطه قابل صورت‌بندی نظری و مدل‌سازی در عمل، اجرا و سیاست‌گذاری است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش خبرگی و تحلیل محتوای کیفی اسناد مرتبط، ابتدا سعی شده تا مفاهیم نظریه، مکتب و پارادایم شکافته شوند و سپس به مولفه‌های آنان پرداخته شود. پس از آن سعی می‌شود به این مسئله توجه شود که آیا اساساً امکان دارد که ما به یک

oshiance12@gmail.com

J.rajablo@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی رشته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

مکتب مستقل از حوزه مباحث انتظامی - امنیتی در جمهوری اسلامی ایران قائل شویم؟ اگر چنین است برای رسیدن به این مقصود چه استراتژی باید در پیش گرفته شود؟

**کلید واژه‌ها:** مکتب انتظامی امنیتی، پارادایم، نظریه، جمهوری اسلامی ایران، مدل

## مقدمه

طراحی و تدوین مکتب امنیتی - انتظامی همانند دیگر سازه‌های نظری همچون نظریه، گفتمان، و حتی پارادایم، ملزومات و مقدماتی دارد. صورت‌برداری از ظرفیت‌ها و دستاوردهای مفهومی و نظری در محیط نظریه پردازی‌های داخلی و خارجی از جمله این مقدمات است. در این حوزه قبل از هر چیز لازم است به چند پرسش اساسی پاسخ گفته شود؛ اساساً مفهوم، لفظ یا دانشواژه «مکتب» به صورت کلی و فارغ از مصادیق آن چه تعریفی دارد؟ آیا مکاتب به شکل هدفمند و از روی نقشه و برنامه ساخته می‌شوند و یا به صورت فرایندی و طبیعی پدیدار می‌شوند؟ عناصر سازنده مفهوم، لفظ یا دانشواژه مکتب چیست؟ آیا در حوزه مطالعات امنیتی و انتظامی عنوان یا لفظ یا دانشواژه مکتب کاربردی دارد؟ در صورت وجود داشتن، مکتب امنیتی و انتظامی چه ویژگی‌ها و مختصاتی دارد؟ اگر در حوزه مسائل و موضوعات انتظامی و امنیتی قرار بر طراحی و تدوین مکتب باشد، در آن صورت برای طراحی و تدوین عناصر و کلیت یک مکتب چه اقداماتی باید صورت پذیرد؟ در پاسخ به چنین پرسش‌هایی لازم است که مجموعه‌ای از اقدامات مرتبط و پیوسته با یکدیگر انجام گیرد. اقداماتی که بخشی از آن شامل صورت‌برداری و بررسی دستاوردهای مفهومی و نظری موجود اعم از یافته‌های داخلی و خارجی است و بخش دیگر آن شامل تلاش برای ساختن مدلی از «مکتب» و عناصر سازنده آن به نحوی است که با مسائل و موضوعات امنیتی منطبق باشد و این سازه مفهومی بتواند واقعیات نظری، مفهومی و عملی این موضوعات را نشان دهد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، مرحله اول از طرح تدوین «مکتب انتظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران» و لوازم و الزامات آن است. طبیعتاً تدوین و سامان دهی سازه نظری مکتب و الگوهای عملی و مقولات و مفاهیم مرتبط با آن به صورت یک کل پیوسته و ترکیبی سازوار از عناصر مختلف باید به گونه‌ای باشد که با مراجعه به تعریف، ادراکی مشخص از معنا و تصویر امنیت و نظم به گونه‌ای که مورد پذیرش پیروان مکتب قرار می‌گیرد، حاصل شود. بررسی مفاهیم اصلی، شناسایی الگوهای نظری و عملی موجود، بررسی سوابق تئوری پردازی همراه با شناسایی فرایند شکل‌گیری مکاتب، از جمله چنین الزامات و لوازمی است.

با گذشت ۴ دهه از وقوع انقلاب اسلامی و پا به پای حل رویدادهای امنیتی و همچنین تلاش در جهت انتظام بخشی به جامعه مفاهیم، نظریات، تصمیمات و فتاوایی عرضه شده که ریشه در منابع اسلامی دارد. هرچند که هنوز برخی اقدامات و تصمیمات در حوزه نظم و امنیت عمومی ممکن است برگرفته از مکاتب امنیتی شرق و غرب باشد ولی به نظر می رسد که آشتی دادن اصول موضوعه آن مکاتب با مبانی اسلامی به راحتی امکان پذیر نیست و اگر زمینه های مناسبی در مبانی ارزشی اسلام نبود و جهان بینی اسلامی این پیوند را جایز نمی دانست، این امر میسر نمی شد. به هرجهت با توجه به ترجمه منابع مختلف از مکاتب پلیسی و امنیتی جهانی در طول سالیان گذشته و تلاش ناخودآگاه برخی نویسندگان بومی برای توجیه مبانی مکاتب پلیسی و امنیتی شرق و غرب با اسلام، ضروری است که در زمینه گردآوری و جمع بندی نقطه نظرات مسئولین نظام جمهوری اسلامی در باب نظم و امنیت از دید مکتب اسلام تلاشی صورت بگیرد تا بتوان در مقابل دیگر مکاتب عرض اندام کرد. از این رو سلسله نشست هایی با حضور اساتید دانشگاه علوم انتظامی، دانشگاه امام حسین (ع)، دانشگاه تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه امام صادق (ع) و دانشگاه آزاد که در حیطه مفاهیم و نظریه های نظم و امنیت صاحب نظر بودند، در محل گروه مکتب و نظریه ها در مرکز مطالعات راهبردی ناجا برگزار گردید که در زمینه مفاهیم مربوطه و امکان سنجی بحث در زمینه تدوین مکتب امنیتی - انتظامی به بحث پردازند. برای ورود به این مباحث لازم بود تا ابتدا امر مفهوم مکتب تعریف گردد زیرا تعابیر متعددی از این مفهوم وجود دارد. همچنین تفاوت مفهوم مکتب و نظریه و رابطه آن دو و نیز شباهت ها و تفاوت های مکتب و پارادایم از جمله موضوعاتی بود که باید در گام اول مشخص می گردد تا بتوان از موضوع مشخص و شفاف به بحث پیرامون مکتب انتظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در نخستین جلسات کارشناسان و اساتید در زمینه مفهوم و مولفه های نظریه، مکتب و پارادایم به بحث پرداخته اند که ماحصل گفتگوها در قالب گزارش پژوهشی ارائه می گردد.

### سوالات تحقیق:

اینکه امکان دارد از «مکتب انتظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران» سخن گفت بستگی به برداشت و تعریفی دارد که از مفهوم مکتب داریم. آیا مکتب یک نظریه فراگیر است یا اینکه مجموعه ای از نظریات است که یک مکتب را شکل می دهند؟ آیا مکتب همان پارادایم است

با اینکه فراتر از پارادایم است؟ اگر میان نظریه، مکتب و پارادایم رابطه ای هست این رابطه چگونه برقرار می شود و اصولاً مولفه های هر یک کدامند؟ و سرانجام اینکه چگونه می توان از مکتب امنیتی - انتظامی جمهوری اسلامی ایران سخن گفت بدون آنکه به معیارهای تعریف این مفاهیم پی برد؟

به منظور پاسخ به سوالات فوق و سوالاتی از این دست در این پژوهش با بهره گیری از روش خبرگی و تحلیل محتوای کیفی اسناد مرتبط، ابتدا سعی شده تا مفاهیم نظریه، مکتب و پارادایم شکافته شوند و سپس به مولفه های آنان پرداخته شود. پس از آن سعی می شود و به این مسئله توجه شود که آیا اساساً امکان دارد که ما به یک مکتب مستقل از حوزه مباحث امنیتی - انتظامی در جمهوری اسلامی ایران قائل شویم؟ اگر چنین است برای رسیدن به این مقصود چه استراتژی باید در پیش گرفته شود؟

#### الف: مفهوم مکتب<sup>۱</sup>

مفهوم مکتب از جمله مفاهیمی است که در مورد تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد و هر صاحب نظری از زاویه خاصی به آن نگریسته است. مثلاً بنا به تعریفی مکتب عبارت است از: "مکان یا مؤسسه ای که در آن یک دیدگاه منسجم پایه نوعی هم اندیشی و مشارکت ایدئولوژیک قرار می گیرد و از یک انتظام خاص علمی پیروی می کند به طوری که اعضای خود را ملزم به رعایت کردن تمام مراحل فعالیت هایش می داند". در تعریفی دیگر مکتب به "جایگاه رهبرمحور گروهی نه چندان یکپارچه از متخصصان و دانشوران اطلاق می شود که روش برخورد آن ها با یک حوزه علمی - پژوهشی پیرامون یک رویکرد نظری محض توأم با ماهیتی آیین گرا تعیین می شود. همچنین برخی مکتب را "عبارت از مجموعه ای هماهنگ متناسب با بینش فلسفی، عقاید مذهبی، ارزش های اخلاقی و روش های علمی می دانند که در یک ارتباط علمی و معلولی با هم یک پیکره متحد معنی دار و دارای جهتی را می سازند که زنده است و همه اندام های گوناگونش از یک خون تغذیه می کنند و با یک روح زنده اند".

غیر از تعاریف ذکر شده دانشنامه ویکی پدیا نیز تعریفی از مکتب ارائه داده که آن را؛ "پیکره بندی و رویکردی در اندیشه در حوزه ای خاص از دانش می داند که بر بنیادی زیر بنایی تر بیان شده و برای فرآورده های فکری خود رویکرد ساز و جهت دهنده است." مکتب فکری در منظومه دانش بشری با مشخصه های خود شناخته می شود. مکتب فکری ممکن

1. School

است چشم‌اندازی فلسفی، اعتقادی، جنبشی اجتماعی، فرهنگی و یا جنبشی هنری باشد. همچنین ممکن است سبک ویژه‌ای در فلسفه یا هنر یا دیگر شاخه‌های علوم انسانی، علوم سیاسی، پزشکی، و ... را نتیجه دهد و یا اساساً سبکی در روش‌شناسی باشد. به عبارتی، افرادی که حول محور یک مکتب به نظریه پردازی مشغول اند باید در یک چیز خصوصیت مشترک داشته باشند که این خصوصیت عمدتاً همان پایه نظری و یا روش تحقیق است.

### ب- مقایسه مفهوم مکتب با مفاهیم نظریه، پارادایم و مدل

برخی بر این اعتقادند که مفهوم مکتب با نظریه، پارادایم و مدل یکی هستند و با یکدیگر قرابت زیادی دارند، برخی نیز مدعی اند که این مفاهیم با یکدیگر متفاوتند و منظور از مکتب نه نظریه، نه پارادایم و نه مدل بلکه معنایی وسیع‌تر است که دربردارنده همه آن مفاهیم است. برای مشخص شدن این مسئله لازم است مروری بر مفاهیم فوق داشته باشیم.

مفهوم "نظریه" (Theory) از ریشه یونانی (Theoria) گرفته شده که به معنای "نظاره کردن" و "نظاره کردن توأم با هیجان" و نیز اندیشیدن درباره خدا یا (Theo) است. البته امروزه لغت "تئوری" با معنای متفاوتی همراه است که تحت تأثیر رشته‌های مختلف علوم تجربی و علوم انسانی است از جمله اینکه:

۱- تئوری کوششی عملی در راه جمع‌آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقرار کردن همبستگی بین این یافته‌ها و تبیین آن‌ها از طریق استقراء است.

۲- تئوری مجموعه‌ای از گفتارهایی است که بر مبنای قواعد منطق با یکدیگر در ارتباط بوده و مبین بخشی از واقعیت هستند.

۳- تئوری عرضه توضیحات معقول درباره رخدادهاست.

۴- تئوری‌ها در مفهوم کلی قضایایی هستند که مطابق قواعدی کامل شده‌اند.

۵- تئوری شرحی است از عالم که از آنچه که می‌توانیم مشاهده و ارزیابی کنیم فراتر می‌رود. در مجموع می‌توان گفت مفهوم نظریه گاهی به معنای بازسازی فرضی "چند احتمال به هم مربوط" به کار می‌رود که منظور از آن توضیح یک وضع خاص یا واقعه معین و مشخص است بدون اینکه هدف تعمیم داشته باشد. وقتی از "نظریه پلیس" راجع به چگونگی احتمال وقوع یک جنایت یاد می‌شود مقصود همین است. در نهایت می‌توان گفت که انواع نظریه از جنبه روش‌شناسی عبارتند از: نظریه‌های روایتی، توصیفی، تبیینی، پیش‌بینی‌کننده و تجویزکننده ولی از جنبه اجرایی یا عملی یا کاربردی می‌توان گفت نظریه‌ها بر دو نوع اند:

- عملیاتی (مثل نظریه پنجره های شکسته که برای تعیین و حل مسئله بی نظمی و بی قانونی در ایالات متحده و سایر کشورهای پیشرفته کاربرد دارد)

- مکتب ساز (مثل نظریه های پلیس جامعه محور و مشارکت گرا که امروزه از ناحیه اکثر کشورهای غربی پذیرفته شده‌اند)

با توجه به تعاریف ارائه شده از مفهوم «نظریه» برخی معتقدند که این مفهوم با مفاهیم «مدل» و «چارچوب مفهومی» (conceptual framework) قرابت دارد، نه اینکه همانند هم باشند. برخی معتقدند که اگر در یکی از بخش های معرفت علمی نظریه بالنسبه محکم و واری شده ای وجود داشته باشد و بخواهیم از طریق برقراری رابطه «جزء به جزء» آن را به بخش دیگری که پیشرفت علمی کمتری دارد «منتقل» کنیم، در این صورت نظریه اول «مدل» یا الگوی نظریه ای خواهد بود که در بخش اخیر به وجود می آید. همچنین «دیوید مارش» و «جری استوکر» می نویسند: «مدل ها عبارت از بازنمایی ها (Representations) یا تصاویر سبک دار و ساده شده واقعیت می باشند. آن ها به تشخیص اجزاء مهم یک سیستم می پردازند اما روابط میان متغیرها را نشان نمی دهند. چارچوبه های مفهومی نیز مدل ساده شده ای از رابطه متغیرها است که برای درک صحیح تر مسئله طراحی می شود.

با توجه به توضیحات ارائه شده می توان گفت که نظریه ها در راستای تبیین کنندگی و بررسی روابط بین متغیرها هستند. و مدل ها به منظور تعمیم و مقایسه نظریه های مشابه ارائه می شوند و بنابراین دو کارکرد متفاوت دارند. اما پارادایم ها (Paradims) دارای عناصری از دو مفهوم هستند. به عبارت دقیق تر پارادایم ها هم اصول تبیینی متغیرها را بیان می کنند، که از این جهت شبیه نظریه اند و هم به عنوان سرمشق و الگو هستند که از این بابت شبیه مدل اند. پارادایم ها به تعبیر فرهنگ لغت وبستر عبارتند از: «یک چارچوب فلسفی و نظری از یک رشته یا مکتب علمی در کنار نظریه ها، قوانین، کلیات و تجربیات به دست آمده که قاعده مند شده اند» و به تعبیری دیگر پارادایم ها سرمشق و الگوی مسلط و چارچوب فکری و فرهنگی و علمی اند که مجموعه ای از نظریه ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده اند. خود «تامس کوهن» مبدع آن مفهوم آن را به تعابیر متعددی به کار برده که می توان آن ها را در دو معنای عمده گنجانند. یکی به معنای آنچه در بین اعضاء یک جامعه علمی خاص مشترک است و دیگری به معنای تمامی تمهیدات، روش ها، ارزش ها و حقوق و امتیازاتی که در میان اعضاء جامعه علمی مورد پذیرش قرار گرفته است. به عبارت دقیق تر پارادایم ها تصویری بنیادی از

موضوع یک رشته علمی اند و مشخص می کنند چه پرسش هایی مطرح شود، چه قواعدی برای تفسیر پاسخ های دریافت شده مورد استفاده قرار گیرد و نهایتاً اینکه پارادایم ها گسترده ترین دیدگاه مشترک صاحب نظران یک علم اند که دارای اجزاء زیراند:

۱- الگوی مورد قبول اشخاص که بر اساس پارادایم عمل می کنند؛

۲- موضوع مورد بررسی آن علم؛

۳- نظریه های مرتبط با آن رشته علمی؛

۴- روش ها و ابزارهای مربوط برای رسیدن به نتیجه مطلوب در آن رشته.

با توجه به توضیحات فوق می توان گفت که پارادایم ها الگو و سرمشقی برای مکاتب مختلف در یک دوره اند، مکاتب به نوبه خود در برگیرنده نظریه های مختلف در یک حوزه، و نظریه ها جزئی از یک مکتب به شمار می روند. مدل ها نیز برای مقایسه نظریه ها و مکتب ها کاربرد دارند. به عبارت دقیق تر مکتب ها و پارادایم ها هم نوعی مدل اند و هم اینکه مدل ها برای مقایسه پارادایم ها، مکتب ها و نظریه ها به کار می روند. همچنین فرایند تشکیل پارادایم ها از «ایده» شروع می شود. ایده باعث می شود که «فرضیه» ای پدیدار شود و زمینه برای ظهور «نظریه» یا «تئوری» فراهم آید. چنانچه نظریه دارای «هوادارانی» شود، «مکتب» شکل می گیرد. از کنار هم آمدن چند مکتب که با هم مشترکاتی دارند یک «پارادایم» فکری به وجود می آید. بنابراین پارادایم ها عام تر از مکاتب هستند.

### ج- دلایل و ضرورت های مکتب فکری

این سوال برای برخی مطرح است که چه ضرورتی دارد ما در زمینه های مختلف از جمله مباحث امنیتی و انتظامی یک مکتب فکری داشته باشیم؟ در پاسخ به این افراد باید گفت که وجود مکتب فکری به دلایل زیر ضرورت دارد:

- **شفاف سازی:** اولین ضرورت وجود یک مکتب فکری شفاف سازی مواضع، مفاهیم، اهداف و روش های یک گروه یا یک جامعه متشکل از افراد همفکر و هم عقیده است. برای نمونه؛ شفاف سازی مفهوم نظم، امنیت، جامعه امن و ... از دیدگاه مکتب امنیتی-انتظامی اسلام در جامعه فعلی ایران امری ضروری است.

- **هویت سازی:** دلیل دیگر برای وجود مکتب فکری این است که اعضای یک جامعه فکری با تاسیس مکتب دارای هویت می شوند تا بتوانند خود را به دیگر گروه های فکری معرفی کنند. در این صورت، مرزهای مکتب اسلام با مکاتب لیبرالیستی مشخص می گردد.

- **نهادینه سازی:** هنگامی که افراد صاحب عقیده مشترک گرد هم می آیند تا نظریه پردازی



کنند زمینه برای ایجاد یک ساختار و نهاد فراهم می آید. تداوم این روند باعث می شود که افراد برای نهادینه سازی و ادامه حیات نظریه خود به سمت ایجاد مکتب فکری پیش روند. بنابراین نهادینه سازی برای تکوین مکتب و انتقال نظریات و تجربیات به نسل بعد و دیگر مکاتب رقیب امری ضروری است. بدیهی است که حوزه علمیه به عنوان نهادی مرتبط با مکتب اسلام است که در درون خود ضمن طرح مباحث مختلف دیدگاه های اسلام در خصوص نظم و امنیت را هم مطرح می کند.

- **طرح مسائل:** با تشکیل یک مکتب فکری زمینه برای طرح مسائل مبتلا به پیروان آن جریان فکری به وجود می آید. بنابراین، یکی از مزایای شکل گیری مکتب طرح و پاسخ گویی به مسائل لاینحل آن جامعه فکری است. مثلاً در حوزه های امنیتی-انتظامی، حدود و ثغور اختیارات دولت و افراد مطرح شده و پاسخ لازم از درون مکتب داده می شود.

#### د- مولفه ها و شاخص های مکتب

واژه مکتب در زبان فارسی و عربی معادل School در زبان انگلیسی است. آنچه که باعث می شود مفهوم مکتب شکل بگیرد وجود دو مولفه مهم است؛ یکی وجود نظریه و بعد نظری مکتب و دیگری بعد نهادی آن است. در بعد نظری ضرورت دارد که نظریه (یا نظریه های جدید مشابه هم) عرضه شده باشد و در بعد نهادی وجود مکان و ساختار (شامل سلسله مراتب و ضوابط) جزء مولفه های اصلی شکل گیری مکتب است.

افزون بر مولفه ها وجود یک سری شاخص ها لازم است تا بتوان مفهوم مکتب را به یک جریان فکری و نظریه اطلاق کرد. این شاخص ها عبارتند از:

- وجود یک نظریه تاسیس؛

- حضور یک رهبر و نظریه پرداز فکری که اصول و پایه ها و نظریه تاسیس را ارائه کرده باشد؛

- فعالیت عده ای از شارحان که نظریه تاسیس را توضیح دهند؛

- وجود عده ای از پیروان و هواداران؛

- وجود گرایش های متعدد درون مکتب؛

- تعیین یا وجود خارجی مکتب (هم در بعد نظری و هم در بعد نهادی) به این معنا که مکتب تنها در اذهان افراد نباشد بلکه رهبر و پیروان و شارحان و نیز مکانی که گرد می آیند در عالم واقع وجود داشته باشد و نظریه های آن ها موضوع بحث روز باشد؛

- وجود مدل - یعنی قابلیت تبدیل شدن نظریه به مدل برای مقایسه با سایر مکاتب؛



- قابلیت کاربست مدل ارائه شده در عالم واقع؛ مثل پلیس دانش بنیان، پلیس اقتدارگرا و...؛  
- ارائه راه حل و حل مسائلی که توسط دیگر مکاتب حل نشده. مثلاً ارائه راه حل برای پیشگیری از شرارت جوانان، پیشگیری از اعتیاد، پیشگیری از جرم و جنایت و...

## ه- کارکردهای مکتب انتظامی امنیتی

برای درک کارکردهای مکتب بایستی به فلسفه وجودی تاسیس مکتب و نیز ضرورت ها و سودمندی های آن توجه کرد که عبارتند از:

۱- امکان و قابلیت فهم ریشه دار و اصیل مسائل مبتلا به مکتب مثل شناخت دقیق ناهنجاری های اجتماعی، پیش بینی معضلات آتی ناشی از نظم یا بی نظمی کنونی جامعه در ابعاد مختلف و...

۲- توصیف دقیق پدیده هایی که برای نظریه پردازان مکتب مسئله ایجاد کرده اند مثل آشوب و بی نظمی، افزایش نا امنی، گسست نسلی و تبعات منفی آن بر نظم و امنیت و...

۳- تبیین مسائل مختلف اجتماعی از دید مکتب، مثل علت یابی اعتیاد و ناهنجاری ها در میان نسل جوان، علت یابی افزایش سرقت و جنایت در جامعه، علت یابی عدم اعتماد اجتماعی نسبت به مسئولان و...

۴- پیش بینی فرایندهای آتی در صورت تداوم وضعیت موجود و نیز مسائلی که ممکن است دیگران برای آینده پیش بینی نکرده باشند. مثل تاثیر تکنولوژی بر عدم امنیت و ناآرامی های اجتماعی، تاثیر فضای سایبر بر هویت اجتماعی و...

۵- تجویز - یکی دیگر از ضرورت های مکتب تجویز راه حل برای حل معضلات کنونی برای نیل به اهداف پیش روی مکتب است، مثل نحوه رفع بحران های اجتماعی، تقویت هویت ملی، دینی و...

## و- فرایند صورت بندی و شکل بندی مکاتب

یکی از مسائل مهم در خصوص مکتب فرایند شکل گیری و ساختار بندی مکتب است. این خود شامل دو مرحله می شود که عبارتند از:

۱- مرحله تسمیه یا نام گذاری مکتب. در این مرحله نام گذاری مکتب باید دارای شرایطی باشد که بتواند مکقبولیت پیدا کند. این شرایط عبارتند از:

- نام مکتب اطمینان بخش باشد.
  - معقولیت فرمی و محتوایی داشته باشد.
  - مشمولیت و جامعیت داشته باشد. د- زمینه پذیرش عمومی داشته باشد.
- اگر نظریه پلیس جامعه محور را به عنوان یک مکتب در نظر بگیریم، به نظر می رسد که می تواند ویژگی ها و شرایط بالا را داشته باشد. یعنی این عنوان هم اطمینان بخش است و هم معقولیت فرمی و محتوایی دارد. افزون بر این از مشمولیت و جامعیت و زمینه پذیرش عمومی هم برخوردار است.

### ز- مراحل تکوین (ساخت) و ساختمانی درون مکتب

در این مرحله بایستی عنوان مکتب به گونه ای باشد که کاملاً با ساختار درونی مکتب هماهنگ باشد و با اصول و اهداف مکتب تناقض نداشته باشد. ویژگی ها و شرایطی که برای این مرحله مطرح است عبارتند از:

- مبادی و اصول موضوعه روشن و شفاف باشد. برای نمونه برداشت مکتب از مفهوم انسان چیست؟ در این خصوص رئالیست ها انسان را ذاتا شرور می دانند در حالی که مکتب اسلام این دیدگاه را نمی پذیرد.

- غایات نهایی مکتب همچون تحقق صلح، عدالت، آزادی و پیشرفت و... بیان شود.

- مفاهیم مرکزی مکتب، دولت، ملت، فرد یا گروه های خاص و... معرفی شود.

- مسائل و موضوعات کلیدی مکتب مثل مقوله نظم، امنیت، مشروعیت و نیز اینکه در دهه های آتی این مکتب با چه مسائلی روبرو است روشن گردد. پلیس جامعه محور و پلیس مشارکت گرا می تواند دارای این ویژگی ها باشد. یعنی اصول موضوعه آن ها مبتنی بر امنیت، متکی بر مردم، غایات آن ها، حفظ صلح و امنیت اجتماعی، مفاهیم مرکزی آن هم شامل امنیت، جامعه و نظم عمومی است، مسائل و موضوعات کلیدی آن امنیت پایدار، توسعه همه جانبه، پیشرفت اجتماعی و نظم اجتماعی است.

### ح- مسائلی که باید یک مکتب آن ها را مشخص کند

علاوه بر مسائل گفته شده، یک مکتب باید برخی مسائل کلیدی و اساسی را که جنبه منطقی و فلسفی دارند را مشخص نماید. این مسائل عبارتند از:

۱- در این مکتب اصالت با ذهن است یا عین؟ اگر اصالت با ذهن باشد پاسخ های مکتب هم ممکن است ذهنی و به دور از واقعیات باشند. اگر اصالت با عین باشد در این صورت پاسخ های مکتب ممکن است دور از منطق باشند.

۲- اصالت با عاملیت ها است یا ساختارها؟ اگر اصالت با عاملیت ها باشد پاسخ ها باید فرد محور باشد و در خصوص استقرار یا عدم استقرار نظم و امنیت افراد مسئول اند و اگر اصالت با ساختارها باشد پاسخ ها مبتنی بر تغییر عمیق ساختارها بدون توجه به نقش افراد است.

۳- مولفه های اصلی مکتب (مثل نظم و امنیت) از بالا ساخته می شوند یا از پایین؟ اگر مفاهیم از بالا ساخته می شوند هدف عمدتاً تحکیم امنیت دولت است و اگر مفاهیم از پایین شکل بگیرند در این صورت امنیت جامعه مقدم است.

۴- تأکید روی وجه بالقوه های اصلی مکتب (مثل نظم و امنیت) است یا بالفعل بودن آن ها، اگر نظم و امنیت به صورت بالقوه وجود دارد باید دید در چه شرایطی بالفعل می شود و اگر بالفعل وجود دارد در چه شرایطی منجر به از هم گسیختگی و عدم انسجام می شود. همچنین باید دید چالش های پیش رو به ویژه در برخورد با انقلاب های اجتماعی و شورش ها چیست؟

۵- این مکتب عام گرا است یا خاص گرا؟ به عبارت دقیق تر اصول موضوعه مکتب در راستای حل معضلات منطقه خاص (محلی گرای) است یا در راستای حل معضلات کل جامعه (ملی گرای)؟

۶- تأکید مکتب روی وجه داخلی (ملی) است یا وجه بیرونی آن (سطح منطقه ای و بین المللی)؟

۷- این مکتب نسبت به استقرار اصول اساسی خود (مثل نظم، امنیت، اجرای قانون و...) در جامعه، خوش بینانه است یا بدبینانه؟

### ط - سوالات مطرح در زمینه فرم و محتوای مکتب در دوره حاضر

اگر بنا هست که یک مکتب در دوره حاضر طراحی شود، لازم است که در برخورد با مسائل روز به چند سوال پاسخ دهد:

۱- معنای اصلی مکتب ۰ به ویژه در ارتباط با مفاهیم کلیدی آن مثل نظم و امنیت) در دوره مدرن چگونه است؟

۲- عناصر اساسی مکتب در عصر فن آوری پیشرفته چه فرم و محتوایی پیدا کرده یا پیدا خواهد کرد؟

۳- معمای اصلی مکتب چیست و این معما (مثل نظم، امنیت و اجرای قانون) را چگونه می توان حل کرد؟

۴- ابزارهای حل معمایی که در برابر مکتب است چه هستند؟ به عبارت دیگر ابزارهای فهم مسئله، توضیح آن و نیز نحوه حل مسئله چه هستند؟

### ی- وجوه مشترک مکاتب

در مجموع می توان گفت که همگی مکاتب علوم انسانی در یک سری اصول و محورها مشترک اند. به عبارت دیگر همه آن ها باید دارای مبانی مشترک بوده و توضیح دهنده یک سری مفاهیم و اصول باشند که عبارتند از:

۱- انسان شناسی (انسان از دید این مکتب ذاتا شرور است یا نیک سرشت و یا دارای قوای نفسانی متعدد مثل اماره، لوامه و مطمئنه؟)

۲- هستی شناسی ( آیا نظم حاکم بر جامعه انسانی باید جلوه ای از نظم حاکم بر عالم باشد یا میان عالم اکبر و اصغر ارتباطی نیست؟ و نیز اینکه اساسا انسان در کجای عالم هستی واقع شده و چه جایگاهی دارد؟)

۳- هنجارمحوری ( آیا انسان هنجار پذیر است یا نه و نیز اینکه مکتب مورد نظر بر پایه چه هنجارهایی استوار است؟)

۴- معرفت شناسی ( از دید مکتب مورد نظر برداشت ما از مسائل محوری مبتلا به مکتب چیست؟ برای نمونه برداشت ما از تهدید چیست؟ امری ذهنی، فردی و درونی است یا عینی، بیرونی و بین المللی؟)

۵- نوع رابطه با سلسله مراتب نیازهای اجتماعی ( اینکه از دید مکتب اولویت با کدام نیاز اجتماعی است؛ عدالت، وفور نعمت، هویت، آزادی و یا امنیت؟)

۶- آرمان محوری ( آرمان های پیش روی مکتب چیست؟ برای نمونه نظم و امنیت امری غایی اند یا به عنوان پایه و وسیله ای برای رسیدن به غایات و اهدافی دیگر؟)

۷- داوری متکی بر توافق بین الاذهانی ( آیا امکان داوری مبتنی بر وجود ما به ازای خارجی پدیده های مورد بحث و نیز مقایسه و ارتباط با مکاتب دیگر وجود دارد؟)

۸- توضیح چگونگی جمع میان نیازهای به ظاهر ناسازگار (مثل نحوه سازش میان آزادی و امنیت)

۹- دیدن پدیده مورد بحث در بستر بین المللی (آیا امنیت و نظم را باید پدیده ای صرفاً داخلی دید یا در ارتباط با مسائل منطقه ای و بین المللی؟)

### ک- مکتب امنیتی-انتظامی جمهوری اسلامی ایران

اگر مکتب امنیتی- انتظامی را عبارت از یک چارچوب نظری معطوف به عمل مبتنی بر مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، معرفت شناسی، انسان شناختی، ارزش شناختی و غایت شناسی مستخرج از منابع معرفتی انقلاب اسلامی بدانیم که چگونگی عمل و نظام رفتاری نظام و فرد را در مورد موضوعات مربوط به نظم و امنیت در دنیای مدرن مشخص می کند، در این صورت در فرایند تکوین این مکتب باید به عناصر و مولفه های زیر توجه نمود:

۱- شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک در صورت بندی مکتب نقش به سزایی دارند. به عبارت دیگر نظام انقلابی و ایدئولوژیک در تفسیری که از انسان و هویت انسانی و نظم مطلوب ارائه می دهند تاثیر به سزایی دارند. این عناصر سیاسی و ایدئولوژیک مفهوم تهدیدات جامعه در سطح داخلی و نیز در سطح خارجی (مفهوم استکبار) را تعریف کرده و آن را به قواعد بازی تبدیل می کنند. همچنین رابطه وحدت ملی و مکتب فکری باید در مکتب امنیتی- انتظامی انعکاس یابد. به طور خاص اگر هدف تدوین مکتب امنیتی-انتظامی اسلام باشد قاعدتاً باید میان اصول پذیرفته شده این مکتب یا فقه جواهری (عناصر زمان و مکان) و نیز مصالح خمس (حفظ دین، جان، مال، ناموس و عقول) سازگاری وجود داشته باشد.

۲- با توجه به اینکه در دنیای مدرن فن آوری در همه عرصه های ذهنی و مادی زندگی نقش دارد باید به این مسئله توجه داشت که فن آوری نوین در تعیین معنای نظم و امنیت و نیز فرم و محتوای آن ها هم تاثیر گذار است.

۳- غیر از تاثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و نقش فن آوری های نوین در طراحی مکتب انتظامی- امنیتی باید به رابطه مکتب با ماموریت های نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه داشت. در این خصوص ضمن مقایسه مکتب انتظامی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران با سایر مکاتب و تفاوت ماهوی آن ها با یکدیگر باید نقش اسناد جهت ساز راهبردی بالادستی ناجا نیز در هنگام تدوین مکتب برجسته شود.

۴- افزون بر آنچه گفته شد مکتب انتظامی- امنیتی باید «معمای نظم» را حل کند. بدین منظور مکتب باید به سئوالات زیر پاسخ دهد:

- تصور ما از نظم مطلوب و آرمانی چیست؟ ماهیت نظم چگونه است و انواع آن کدامند؟ در این زمینه باید در نظر داشت که انواع نظم با الگوریتم های مختلف وجود دارد. ما به دنبال چگونه نظامی هستیم؛ نظم آهنین، نظم دموکراتیک و یا گونه ای دیگر؟

- سازه نظم چگونه است؟ آیا ما نظم حاکم - دولت - کشور را پذیرفته ایم یا به دنبال استقرار نظم حاکم بر دولت - امت هستیم؟ در شرایط فعلی جهان کدامیک مقدم و استقرار پذیر است؟ - دینامیسم درونی نظم چگونه است و چه عناصری باعث حفظ نظم یوتوپیک می شود؟ در تحکیم نظم چه عواملی مقدمند؛ فرهنگ، قدرت، سیاست، اقتصاد و یا عناصری دیگر؟ عوامل فروکاهنده و متزلزل کننده نظم کدامند؟ بین نوع نظم مطلوب و نوع پلیس چه ارتباطی هست؟ آیا ما به دنبال پرورش پلیس مشارکت گرا هستیم یا جامعه محور، پلیس اقتدارگرا و یا نوعی دیگر؟

- الگوهای رفتاری جامعه کدامند؟ آیا میان رفتار و گفتار نخبگان و توده های مردم وحدت رویه است یا تناقض وجود دارد؟ اگر وحدت و یا تعارضی هست آیا می تواند منشأ نظم یا بی نظمی و امنیت و ناامنی شود؟

- قابلیت اجرای نظم را در عمل چگونه می شود تضمین کرد؟ از طریق قانون، عرف و یا عوامل و مولفه های دیگر؟

- آیا در استقرار نظم، انطباق سینرژیک (همسانی و هم سطحی Synergic) وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر اگر در یک جا نظم و امنیت را مستقر کردیم احتمال دارد که در جاهای دیگر هم نظم و امنیت برقرار شود یا بالعکس باعث بروز بی نظمی و ناآرامی در جاهای دیگر می شود؟ مثلاً اگر برای استقرار امنیت افراد بزهکاری را که در حاشیه شهرها زندگی می کنند به جاهای دیگر کوچ دهیم این باعث ایجاد امنیت می شود یا ممکن است ناامنی و بزهکاری به جاهای دیگر سرایت کند؟

- نحوه بازسازی و کنترل سیستم امنیتی به ویژه در برخورد با بحران ها چگونه است؟ این محور خود شامل یک سری نکات است که مکتب امنیتی بایستی به آن ها پاسخ گوید:

۱- سیستم باز است یا بسته؟ چنانچه سیستم سیاسی و اجتماعی باز باشد کانال های قانونی برای حل بحران و معضلات مرتبط با نظم و امنیت در نظر گرفته شده ولی چنانچه سیستم بسته باشد چون کانال های حل بحران بسته اند لذا سیستم دچار اختلال می شود. بنابراین، مکتب امنیتی باید تکلیف خود را در برابر سیستم های باز و بسته روشن کند.

۲- سیستم خطی است یا غیر خطی؟ در دنیای امروز به دلیل پیچیدگی مسائل ارتباط

پدیده‌های با یکدیگر مثل گذشته به صورت خطی و تاثیر مستقیم نیست بلکه پدیده های مختلف به طور غیر مستقیم بر یکدیگر اثر می گذارند. برای نمونی باخت یک تیم فوتبال در استادیوم ورزشی به ظاهر غیر سیاسی است اما چنانچه هواداران تیم بازنده پس از مسابقه به تاسیسات عمومی حمله ور شده و شروع به تخریب اتوبوس های واحد، تاسیسات استادیوم، بانک ها و اموال عمومی کنند در این صورت نظم و امنیت عمومی مختل شده و امر غیر سیاسی به امر سیاسی و امنیتی تبدیل می شود. از این رو باید مکتب امنیتی در طراحی خود به چگونگی سیاسی و امنیتی شدن پدیده ها و نحوه حل آن ها توجه کند.

۳- مسئله دیگری که مکتب امنیتی-انتظامی باید به آن توجه کند شاخه های متعدد نظم است. در گذشته نظم عمدتا به حوزه سیاسی و نظام یا اختصاص داشت اما امروزه رعایت نظم و امنیت در همه سطوح دیده می شود. از عبور دانش آموزان از خیابان گرفته تا ورود و خروج افراد به کارخانه و اداره، مراجعه به بانک و ادارات، حضور در اماکن ورزشی، ورود و خروج در مناطق مرزی و...، بنابراین نظم شاخه های متعددی پیدا کرده و متناسب با آن پلیس هم با کارکردها و ماموریت های متعددی روبرو است. افزون بر این باید به این هم توجه داشت که کلان شهرها بسیار پیچیده تر از شهرهای کوچک و روستاها هستند. اگر بنا هست نظمی استقرار یابد مکتب امنیتی-انتظامی باید به این امر دقت کند که نمی توان الگوی نظم و امنیت کلان شهرها را به شهرهای و روستاهای کوچک تعمیم داد و پلیس مستقر در شهرهای بزرگ کارکردهای متعددی نسبت به شهرهای کوچک خواهند داشت.

۴- مطلب مهم دیگری که مکتب باید به آن توجه کند نقطه تعادل جامعه است. آیا در مکتب امنیتی تدوین شده این نقطه تعادلی مشخص است یا نه؟ در صورت بروز بحران سکاندار نظام سیاسی و اجتماعی چه بخشی از جامعه است؟ به عبارت دیگر مصلحت جامعه در شرایط اضطراری چگونه تعیین می شود و چه مکانیزمی برای حفظ تعادل، وحدت و همبستگی وجود دارد؟ منافع ملی از طریق چه نهاد یا نهادهایی حفظ می شوند؟

۵- با توجه به روند تکامل جامعه تدوین کنندگان مکتب باید به این امر توجه کنند که برنامه ریزی و اصول پذیرفته شده در مکتب تنها برای زمان حاضر نیست بلکه تامین نظم و امنیت باید به گونه ای باشد که آینده هم در نظر گرفته شود. گسترش شهرها، توسعه ارتباطات و فن آوری، افزایش جمعیت و همه فرایندهای تکاملی و تغییرات جامعه باید در طراحی مکتب امنیتی-انتظامی در نظر گرفته شود. این آینده نگری باعث می شود که از قبل ناآرامی ها و بی نظمی های احتمالی پیش بینی و چاره اندیشی شود.



۶- مسئله خود ساماندهی بودن سیستم‌ها است. به عبارت دیگر سیستم‌های امنیتی-انتظامی طراحی شده چگونه خودکنترل و خودسامان هستند. برای نمونه، با توجه به تقسیم وظایف و ماموریت‌ها میان استان‌ها و همچنین اجرای طرح‌هایی مثل پلیس مردمی، این سیستم‌ها چگونه اداره می‌شوند؟ آیا باید همیشه منتظر تصمیمات و فرامین مرکز بود یا هر سیستم فرعی (مثل نیروی انتظامی در سطح استان‌ها، شهرها، پاسگاه‌ها، پلیس افتخاری، پلیس فتا و پلیس مرزبانی و...) خودسامان هستند و در برخورد با تحولات و تغییرات و پدیده‌های ناامن‌کننده و بحران‌ها قادر به تصمیم‌گیری می‌باشند.

۷- با توجه به نقش اطلاعات در زندگی روزمره و اطلاعات محوری بودن ماموریت‌های ناجا، کنترل افراد بر پایه اطلاعات تا چه حد میسر است و تا چه حد قانون و شرع اجازه جمع‌آوری اطلاعات را به ما می‌دهند؟

## ل - سیر مراحل تدوین مکتب

با توجه به مطالب گفته شده چنانچه بخواهیم سیر مراحل تدوین مکتب را به اختصار بیان کنیم باید گفت که این مراحل به شرح زیراند:

- ۱- شناخت پدیده‌ها، مثل نظم، امنیت و...
- ۲- ایده اولیه. بدیهی است که با مشاهده یک معضل اجتماعی اولین نکته‌ای که به ذهن یک محقق می‌رسد ایده اولیه است که مقدمه کار تحقیق علمی و فرضیه‌سازی است. در این جا ممکن است محقق با چند ایده اولیه روبرو شود.
- ۳- فرضیه‌سازی. چنانچه محقق تمرکز بیشتری روی ایده یا ایده‌ها بنماید و به یک پاسخ اولیه برای مسئله برسد در این صورت فرضیه‌سازی به عمل آمده.
- ۴- تئوری پردازی. در صورتی که محقق بتواند میان دو پدیده مثل فقر و اعتیاد یا مهاجرت و حاشیه‌نشینی ارتباط منطقی به صورت گزاره‌های علمی برقرار کند یک تئوری یا نظریه علمی شکل می‌گیرد.
- ۵- جذب پیروان و هواداران نظریه. اگر نظریه علمی پیروانی پیدا کرد مقدمات مکتب فراهم می‌آید مثل پیروان نظریه پنجره‌های شکسته که معتقدند برخورد با جرائم خرد باعث جلوگیری از جرایم بزرگ و سنگین می‌شود.
- ۶- شکل‌گیری مکتب. چنانچه نظریات منسجم، جدید و متعددی ارائه شود و رهبری وجود داشته باشد که مدافع آن نظریه باشد و به راحتی نتوان آن‌ها را رد کرد در این صورت یک

مکتب شکل می گیرد. برای نیل به یک پارادایم فکری متأثر از ارزش های اسلامی لازم است که مراحل بالا طی شود و این امر مستلزم زمان طولانی و وجود رهبران فکری (مثل امامین انقلاب اسلامی) و پیروانی خواهد بود که از آن دیدگاه دفاع نمایند.

### م- راهبرد بومی سازی نظریه ها و تدوین مکتب انتظامی - امنیتی

در خاتمه باید گفت با توجه به اینکه ما هنوز مکتب مدون امنیتی نداریم چنانچه بخواهیم نظریه مدون و یک مکتب فکری در حوزه نظم و امنیت داشته باشیم که با شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما سازگار باشد چه مرحله اولی را باید طی کنیم تا به مقصود برسیم. به نظر می رسد که مراحل زیر باید رعایت گردد تا تدوین مکتب صورت بگیرد:

۱- مرحله استخدام تئوری بدون جرح و تعدیل. چنانچه از بین نظرات و مکاتب موجود بتوانیم نظریه یا مکتبی را که به فضای ذهنی ما به عنوان عنصری ایرانی و اسلامی نزدیکتر است بیابیم در این صورت آن را انتخاب کرده و به خدمت می گیریم.

۲- مرحله بومی سازی با جرح و تعدیل. با توجه به اینکه مکاتب موجود هیچکدام برای جامعه اسلامی تدوین نشده اند در این صورت در مرحله دوم می توانیم نظریه ای را که تا حد زیادی با شرایط فکری ما سازگار است انتخاب کرده و با اندکی تغییر با شرایط بومی سازگار کنیم.

۳- استخراج نظریه ترکیبی. چنانچه نتوانیم نظریه مناسبی پیدا کنیم که آن را با اندک تغییری با شرایط جامعه ایران سازگار کنیم می توان راه حل دیگری را در پیش گرفت و آن ایجاد یک ترکیب از نظریات متعدد است که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه ایران باشد.

۴- مرحله استخراج مدل و چارچوب مفهومی. چنانچه یکی از گزینه های بالا در پیش گرفته شود در این صورت باید به دنبال استخراج مدل و چارچوب مفهومی باشیم یعنی چارچوب مفهومی که با جامعه ایران و ارزش های اسلامی سازگار باشد و نظریه و مکتب امنیتی-انتظامی را برای همه شفاف سازد.

۵- مرحله استقراء و نظریه پردازی. پس از تعیین چارچوب مفهومی مرحله استقراء و نظریه پردازی صورت می گیرد که خود شامل دو بخش است:

- استقراء واقعیت های عینی جامعه مثل نظم، امنیت و...

- استفاده از گزاره های دینی و ارزش های انقلاب اسلامی که این مرحله شامل قیاس و اتخاذ یک گراند تئوری است. در این زمینه استفاده از مفاهیمی مثل مصالح خمسه و ... در تئوری، باعث اسلامی شدن گزاره ها و شکل گیری هویت اسلامی مکتب می شود.

## منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، ظرفیت طبیعی امنیت (مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران) فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، دو چهره امنیت ملی: بررسی چالش امنیتی فراسوی نظام جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی.
- فتخاری، اصغر، (۱۳۸۱)، تحلیل انتقادی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «مرزهای گفتمانی نظریه اسلامی امنیت؛ گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، پاییز، صفحات: ۴۲۵-۴۵۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، «خاورمیانه منطقه‌ای امنیتی شده»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز، صفحات: ۳۱-۴۸.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳)، «نشانه‌های ساختاری «امنیت اسلامی»؛ مطالعه موردی حکومت نبوی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان، صفحات: ۶۴۲-۶۶۷.
- اصغر افتخاری (۱۳۸۳)، «مطالعات ایران: قدرت، امنیت، شریعت؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر قاجار»، مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، بهار، شماره ۲۳، صفحات: ۵۱-۷۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، «تکوین نظریه امنیت علوی؛ تحلیل دوران قبل از حکومت امام علی (ع)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان، صفحات: ۲۳۱-۲۵۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، «استراتژی امنیتی دولت علوی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۳، پاییز، صفحات: ۴۵۹-۴۸۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۶)، «کالبدشکافی تهدید، معرفی کتاب»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، شماره ۳۷، زمستان، صفحات: ۱۵۱-۱۵۷.
- افتخاری اصغر (۱۳۹۱)، «اصول امنیت اجتماعی شده در اسلام؛ مطالعه موردی سوره‌های مبارکه اعراف، یونس و صافات»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، صفحات: ۵-۳۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، «نرم افزارگرایی و الگوی اسلامی ایرانی - پیشرفت»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال شوم، شماره هشتم، بهار و تابستان، صفحات: ۹-۲۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، عدالت و امنیت ملی در اسلام، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۶، شماره - افتخاری، اصغر (۱۳۹۴)، منظومه مفهومی خرد؛ امنیت اجتماعی شده در سیره پیامبر اکرم، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره اول.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، ساخت اجتماعی امنیت: درآمدی بر جامعه‌شناسی امنیت، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۳، شماره ۴.

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، منطق معادلات امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره چهارم
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲) نرم افزار گرای امنیتی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، دوفصلنامه قدرت نرم،
- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۲، منطقه گرایی نوین و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷.
- افتخاری، اصغر، ساخت دولتی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰.
- خلیلی، رضا (۱۳۷۸)، «تبیین تحولات امنیتی جمهوری اسلامی ایران؛ در جست و جوی چارچوبی تحلیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره دوم تابستان، صفحات ۳۷۸-۴۱۱.
- روحی، نبی الله (۱۳۹۴)، امنیت پایدار: مفاهیم، رویکردها و راهبردها، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۲)، نظریه های امنیت: مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، جلد اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۳)، «مکاتب امنیتی نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین»، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴، ۴۴: ۸۵۵-۸۳۳.
- قیصری، نوراله، «راهبردهای امنیت پایدار بین المللی منطقه ای و داخلی امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، همایش سراسری امنیت پایدار، تهران، خرداد ۹-۱۰، ۱۳۹۱.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۲)، «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست ها»، دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول، (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان، صص ۶۲-۴۵.
- کلهر، رضا (۱۳۸۸)، درآمدی بر امنیت انتظامی، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۹.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۰) امنیت از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، فصلنامه علمی-پژوهشی اسراء، شماره ۷.
- لکزایی، نجف (۱۳۹۲)، دیدگاه امنیتی شیعه با تاکید بر اندیشه آیت الله بهشتی، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- لکزایی، نجف (بهار ۱۳۹۳) مطالعات فقهی امنیت، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲.
- لکزایی، نجف (تابستان ۱۳۹۳) امنیت متعالیه، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، شماره ۵.
- لکزایی، نجف (زمستان ۱۳۸۹) کاربردهای امنیتی انسان شناسی حکمت متعالیه، فصلنامه مطالعات

راهبردی، شماره ۵۰.

- لکزایی، نجف(زمستان ۱۳۸۹)، کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم.

- لکزایی، نجف(زمستان ۱۳۹۴)، گونه‌شناسی امنیت پژوهی در علوم اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هیجدهم، شماره چهارم.

- ولی پور رزمی، سیدحسین، ۱۳۸۳، گفتمانهای امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، <http://www.ensani.ir/fa/content/150348/default.aspx>

- افتخاری، اصغر(۱۳۸۲ ب)، امنیت ملی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)، اندیشه انقلاب اسلامی تابستان ۱۳۸۲ شماره ۶، صفحات: ۵۹-۶۳.

